



دانشگاه هرمزگان
وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب



ارزیابی محتوایی مفاهیم دروس (۵، ۶، ۱۱، ۱۴) کتاب علوم تجربی دوم دبستان مبتنی بر طبقه بندی حیطه های شناختی بلوم

اسماء یوسفی لای بیشه ئی

دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس

As.yousefi۲۱۴@gmail.com

چکیده

کتاب از مهمترین منابع یادگیری دانش آموزان در نظام آموزش فعلی است. در بیشتر مراکز آموزشی، به ویژه در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، مطالب و موضوعات کتاب های درسی محور آموزش و یادگیری رسمی و مدرسه را تشکیل میدهند. با توجه به اینکه ارزشیابی اغلب محدود به کتاب های درسی است، ارائه ی محتوایی دقیق و سودمند، یکی از اساسی ترین موضوع های مطرح در آموزش کشور است. به دلیل اهمیت کتب درسی و موفق بودن در روش تدریس باید این کتب مورد تحلیل و بازنگری قرار گیرند. روش تحلیل محتوا کاربرد وسیعی در پژوهش در زمینه رسانه های ارتباطی پیدا کرده است. دروس علوم تجربی روز به روز حجیم تر و جدیدتر میشوند از این ضروری است تا برنامه های آموزشی علوم تجربی به گونه ای سازماندهی گردند که بتوانند فعالیت های دانش آموزان را متناسب با هدف های درس در مسیر صحیح پیش ببرند. هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای دروس پنجم، ششم، یازدهم و چهاردهم کتاب علوم تجربی پایه دوم دبستان مبتنی بر طبقه بندی حیطه های شناختی بلوم است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن، کدگذاری و تعیین درصد فراوانی از نوع تحلیل محتوا می باشد. جامعه آماری این پژوهش کتاب علوم تجربی دوم دبستان است. نتایج پژوهش نشان داد که دروس نام برده شده از کتاب علوم تجربی دوم دبستان مبتنی بر حیطه های شناختی بلوم تدوین شده اند و میزان توجه به سطوح حیطه های شناختی بلوم در تدوین دروس ذکر شده به طور مساوی و یکسان نبوده است و بیشترین میزان توجه به سطوح دانش، درک و فهم و تجزیه و تحلیل است. و کمترین میزان توجه به سطوح ارزشیابی، ترکیب و کاربرد از سطوح حیطه های شناختی بلوم است.

کلیدواژه ها: تحلیل محتوا، حیطه های شناختی بلوم، علوم تجربی، کتاب درسی، آموزش و یادگیری

مقدمه

محتوای درسی به عنوان یکی از مهمترین عناصر برنامه درسی در تعیین خط مشی های آموزش، همواره کانون توجه تمامی دست اندرکاران آموزش و پرورش قرار گرفته است. به ویژه، در نظام های آموزش متمرکز مانند کشور ما که تمامی فعالیت های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی بر مبنای کتاب های درسی صورت میگیرد، این اهمیت دو چندان میشود. به منظور هماهنگی کتب درسی با تغییرات سریع جامعه، باید محتوا و مطالب درسی آنها مرتب مورد تحلیل و ارزشیابی قرار گیرد. ارزشیابی صحیح از محتوای کتب درسیبا توجه به سایر عوامل موثر در کارایی آموزش، امکان قضاوت و تصمیم گیری درباره ی مطلوب بودن محتوا را فراهم می سازد؛ بنابراین، توجه به ارزشیابی و تجزیه و تحلیل محتوای کتاب های درسی در نظام فعلی کشور، اطلاع از نظرات و دیدگاه های دبیران و کارکرد دانش آموزان، افزایش کیفیت مطالب و ارتقای سطح یادگیری فراگیران، ارتباط مستقیمی با چنین بررسی هایی دارد(ملکی، ۱۳۸۲).

روش تحلیل محتوا از روش های متداول در علوم اجتماعی است که حدود نیم قرن از عمر آن می گذرد. هم اکنون این روش کاربرد وسیعی در پژوهش در زمینه رسانه های ارتباطی پیدا کرده است. در کشور ایران نیز چند سالی است که بحث تحلیل محتوای کتابهای